

تحلیل نقش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بر پایداری خانواده

در بین زوجین شهر چهاردانگه (اسلام‌شهر)

حسین نازک‌تبار^۱، شهرام ملانیا جلودار^۲، حسین نیک‌اندیش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود که به روش پیمایشی انجام گردید. جامعه‌ی آماری زوجین ساکن در شهر چهاردانگه منطقه‌ی صنعتی و تجاری در نیمه‌ی دوم سال ۹۹ بود. بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته بود که آلفای محاسبه‌شده برای هریک از متغیرها بالاتر از ۰/۷۰ و پایایی پرسش‌نامه در حد قابل قبول به دست آمد. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۴ انجام شد. نتایج نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی و هریک از ابعاد آن شامل میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و همچنین سرمایه‌ی فرهنگی و هر یک از ابعاد آن شامل سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معنادار مثبتی داشته‌اند. به‌طوری‌که سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی با ابعادشان توانسته‌اند ۸۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. اما نتایج نشان داد که جنسیت تفاوت معناداری در پایداری خانواده نداشته است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی فرهنگی؛ سرمایه‌ی اجتماعی؛ پایداری خانواده؛ مطالعات خانواده؛

چهاردانگه.

^۱ استادیارگروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسؤل). hntabar@yahoo.com

^۲ استادیارگروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. smolania@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، بهشهر، ایران. nikandish56@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، خانواده را یکی از نهادهای مهم اجتماعی معرفی کرده‌اند که تکوین آن ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است (کوئن، ۱۳۹۷: ۱۸۹) از آنجایی که روابط سالم در جامعه بر اساس روابط سالم در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است؛ (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۳) بنابراین یافتن مسائل در خانواده‌های ایرانی و تحلیل و تعلیل آن‌ها، می‌تواند به ثبات خانواده، تربیت صحیح فرزندان و پیشگیری از سرایت این مسائل به دیگر خرده‌نظام‌های جامعه بینجامد. از آنجا که خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه‌ی سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته کنکاش تحقیقات است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده طلاق است. برخی کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در بیشتر مواقع این سیر بروز اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی را طی می‌کنند و پایداری خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، خانواده را سنگ بنای سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند و خانواده، اصلی‌ترین شکل سرمایه‌ی اجتماعی است که در به‌وجود آمدن و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی نقش اساسی دارد. فوکویاما^۱، خانواده را منبع مهم سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌آورد (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۹). سرمایه‌ی اجتماعی، مجموعه منابع باارزشی است که در ذات روابط اجتماعی گروه‌های نخستین و ثانوی وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزش‌مند شامل اعتماد، احترام، حفظ ارزش‌های اخلاقی، تعاون و همکاری، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و مهارت‌های ارتباطی است. از طرفی سرمایه‌ی اجتماعی، افراد خانواده را به آرامش فرا می‌خواند (قلی‌زاده و اسماعیلیان اردستانی، ۱۳۹۳: ۳۸). تحول سرمایه‌ی اجتماعی بین زوجین ایرانی که تأثیر گرفته از جریان نوگرایی است، بیشتر از هر چیزی در روابط زن و مرد مشاهده می‌شود. کاهش سرمایه‌ی اجتماعی با بی‌اعتمادی میان زن و شوهران همراه بوده و فشارها و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی و اضطراب را افزایش داده است (توکل و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۷۰). عدم مشارکت در

¹ Fukuyama

تصمیم‌گیری در امور منزل نیز، زمینه‌ی اختلاف زناشویی را ایجاد می‌کند (گنجی و سامانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۳). ارتباط بین افراد، لازمه‌ی زندگی‌کردن است و در صورت نبود تعامل، زندگی پایان می‌یابد. افراد با کمک ارتباط داشتن با دیگران، زنده مانده و به رشد و تعالی می‌رسند و سعادت-مندی آن‌ها با پیوند با دیگران، معنا می‌یابد (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹: ۵۸).

درواقع منظور از سرمایه‌ی اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. اما در کنار سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی نیز مطرح است. بوردیو^۲ در تعریف سرمایه‌ی فرهنگی، آن را در برگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد می‌داند که در خلال اجتماعی‌شدن در او انباشته می‌شود و به بیان دیگر مهارت‌های رسمی و غیررسمی شامل عادت‌ها، روش‌ها، سلاقی، سبک زندگی افراد، مدارک تحصیلی، کیفیت تحصیلی افراد و گرایش آنان به جمع‌آوری محصولات فرهنگی و هنری نیز از شاخص‌های سرمایه‌ی فرهنگی به شمار می‌آیند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۱۱۲). ویژگی ذاتی سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و فرد برای برخورداری از این نوع سرمایه‌ها باید با دیگران رابطه داشته باشد. باید توجه داشت که سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی یک ویژگی ژنتیکی فطری نیست؛ بلکه پدیده‌ای است برخاسته از تجارب تاریخی مردم و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد (پرکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴). شناسایی میزان و روند سرمایه‌ی اجتماعی در میان مردم جامعه می‌تواند به شناسایی و حل مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی کند.

آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش بوده و وجود طلاق در بین اقشار مختلف جامعه، این پدیده را پیچیده‌تر و در هم تنیده‌تر کرده است. به طوری که در سال ۱۳۹۷، از هر ۳/۵ ازدواج، یکی منجر به طلاق شده است (سایت ثبت احوال کشور، ۳۰ خرداد ۱۳۹۸). با توجه به موارد فوق و مهم اینکه محقق شرایط متفاوت خانواده‌های شهر چهاردانگه را (به دلیل ویژگی‌های خاص محیط صنعتی‌اش) شاهد بوده که برخی از متغیرهای اجتماعی-فرهنگی موجب آسیب‌رساندن جدی به ثبات خانواده بوده و به‌طور متفاوت در شرایط سخت دیگر همین متغیرهای اجتماعی-فرهنگی باعث جلوگیری از گسیختگی خانواده‌های دیگر شده است. بدین دلیل محققین درصدد برآمدند تا به شناسایی تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بر پایداری

^۲ Bourdieu

خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه پرداخته و در راستای موارد یاد شده به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- آیا سرمایه‌ی اجتماعی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد؟

- آیا سرمایه‌ی فرهنگی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد؟

- آیا پایداری خانواده در بین زن و شوهر شهر چهاردانگه تفاوت معناداری دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

جعفری، آفاجانی و امیرمظاهری (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی گیلان» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر سبک زندگی معنادار است؛ اما بر نگرش به طلاق معنادار نیست و در سرمایه‌ی اقتصادی این تأثیر برای سبک زندگی معنادار نیست؛ اما نگرش به طلاق را به صورت معناداری تغییر می‌دهد.

ابراهیمی منش و شکرپیگی (۱۳۹۵) در پژوهشی با روش کیفی کوشیده‌اند روند وقوع پدیده‌ی طلاق را با استفاده از نظریه‌ی مبنایی و مصاحبه‌ی عمیق با ۴۰ نفر از زنان مطلقه یا در حال طلاق در تهران شناسایی کنند. مدل نظری شامل ۵ عامل رسیدن به بلوغ فکری، روانی، اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی، ابهام در منطق زندگی زناشویی، کیفیت نامطلوب سرمایه‌ی اجتماعی، ناکارآمدی الگوهای ارتباطی، نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض است که در فرآیند وقوع طلاق مؤثر بوده است.

فیروزجاییان و غلامرضازاده (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی میزان و عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی» انجام دادند که نتایج تحقیق نشان داده که طلاق عاطفی با متغیرهایی چون عدم هم‌فکری مشترک، عدم هم‌گامی مشترک، عدم هم‌بختی مشترک و عدم هم‌دلی مشترک، رابطه‌ی معنادار منفی دارد. همچنین با توجه به مدل ساختاری ارائه‌شده، همه‌ی این متغیرها، ۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (طلاق عاطفی) را تبیین کرده‌اند.

اسکافی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد» نشان دادند که حمایت، انسجام، قوت پیوند، صمیمیت و فعالیت‌های مشترک در

صمیمیت با همسر مؤثر است و صمیمیت با همسر بیشترین اثر را در طلاق عاطفی دارد. همچنین در بین متغیرهای خصیصه‌ای، تعداد فرزندان، مدت ازدواج، نسبت قبلی با همسر و شناخت همسر قبل از ازدواج در طلاق عاطفی مؤثرند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین در شهر خلخال» نشان دادند که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط عاطفی زوجین، سردی روابط جنسی زوجین، سردی روابط خانوادگی زوجین، سردی روابط خویشاوندی زوجین و سردی روابط اجتماعی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

عبداللهی و صداقت (۱۳۹۲) در پژوهشی که در بین زوجین مطلقه در شهر بوشهر در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ انجام شد، نشان دادند که از نظر زوجین مطلقه، مهم‌ترین عامل جامعه-شناختی در گرایش به طلاق رسانه‌ها، فیلم‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی است.

پروین و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه‌ی معنا دار با میزان طلاق عاطفی را دارند. به بیان دیگر، هرگاه تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی بر هم می‌خورد، کارکردهای قوام‌دهنده‌ی تأثیرگذار آن مانند سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و ... با چالش مواجه می‌شوند که می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی باشد.

خزائی (۱۳۸۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق در منطقه‌ی ۵ شهر تهران» انجام داده است. نتایج نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی معنا دار و معکوسی با نگرش زنان نسبت به طلاق داشته است. به این معنا که با افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی نگرش منفی‌تری نسبت به طلاق وجود داشته است که از میان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط متغیر اعتماد اجتماعی با نگرش زنان به طلاق تأیید شده؛ اما متغیرهای مشارکت اجتماعی و شبکه‌ی روابط اجتماعی ارتباط معنا داری با نگرش زنان به طلاق نداشتند.

راسل و کلایتون^۱ (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی به خصوص توئیتر بر خیانت زناشویی و طلاق» انجام دادند. از نتایج مهم پژوهش این بود که شبکه‌های

^۱ Russell & Clayton

اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌ی روابط عاشقانه‌ی با افرادی غیر از همسر، باعث خیانت زناشویی شده و در نهایت به طلاق ختم می‌شود.

والنزوالا و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی، ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و نرخ طلاق در سراسر ایالات متحده آمریکا را بررسی کردند. داده‌های پژوهش نشان از محبوبیت بالای شبکه‌های اجتماعی در میان شرکت‌کنندگان بود. استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین شده و بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.

آهیوما^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان داد که اثرات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی جدایی والدین بر نوجوانان شامل عملکرد تحصیلی، رشد اجتماعی، رابطه‌ی بین فردی ضعیف و پایداری عاطفی ناچیز است.

چالرز و همکاران^۳ (۲۰۱۱) طلاق عاطفی را هرگز یک پدیده‌ی تک عاملی ندانستند و در تحقیق خود نشان دادند که با به هم خوردن تصورات و انتظارات افراد از یکدیگر بعد از ازدواج پیوندهای عاطفی بین‌شان شکست می‌خورد و به طلاق عاطفی منجر می‌شود.

بررسی پیشینه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی» و نقش و تأثیر آن در روند پایداری خانواده مطالعات اندکی انجام شده است. جمع‌بندی مطالعات پیشین نشان می‌دهد برخی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر پایداری خانواده اثرگذار بوده است. متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده استحکام خانواده را تقویت می‌کنند. به عبارت دیگر، اگر تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی از بین برود، کارکردهای حمایتی تأثیرگذار آن مانند سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و ... با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند زمینه‌ساز بحران خانواده را به دنبال داشته باشد. لذا ضرورت بررسی و مطالعه‌ی نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در پایداری خانواده ملاحظه می‌شود، این پژوهش با این هدف مهم انجام شد که ضمن اندازه‌گیری میزان پایداری خانواده، تأثیر افزایش یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر آن تجزیه و تحلیل شود.

¹ Valenzuela & etal

² Ahiaoma

³ Charls & etal

چارچوب نظری پژوهش

کلمن^۱، سرمایه‌ی اجتماعی را با کارکردش تعریف می‌کند. او معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحد نیست؛ بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در صورت عدم وجود آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۲). کاربرد عمده‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به این واقعیت بستگی دارد که سرمایه‌ی اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگری صورت می‌گیرد. یکی از مواردی که اهمیت اعتماد را به‌عنوان شکلی از سرمایه‌ی اجتماعی نشان می‌دهد، نظام اعتماد متقابل است. مثال افراطی چنین نظامی زوجی هستند که هریک از آن‌ها اعتماد زیادی به دیگری دارد؛ خواه عاشق یکدیگر باشند، خواه نباشند، برای هر دو در این رابطه ارزش روانی فوق‌العاده‌ای دارد. هریک می‌تواند به دیگری اطمینان کند، تردیدهای روانی را آشکار سازد، با دیگری رک و راست باشد، مسائل حساس را مطرح کند و همه‌ی این‌ها را بدون ترس از سوء استفاده دیگری از اعتماد او انجام دهد (همان: ۶۹). با توجه به نظر جیمز کلمن در مورد سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی، بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ابعاد تعلقات اجتماعی و تعاملات اجتماعی، بعد ساختاری را سنجش می‌کنند. منظور از بعد شناختی، وجود میزانی از اعتماد، تعهد اجتماعی و سایر عناصر چون صداقت، همبستگی درون گروهی، میزان زمان باهم بودن، انتقادپذیری و ... است که شامل کیفیت روابط اجتماعی بین همسران است. درحالی‌که در بعد ساختاری، کمیت روابط اجتماعی و شبکه‌ی اجتماعی فرد سنجیده می‌شود که عضویت فرد در گروه، میزان همکاری، تنوع فعالیت‌های جمعی، تعداد افرادی که فرد را می‌شناسند، انواع ارتباطات، شعاع ارتباطات و تعداد و اندازه‌ی شبکه‌های اجتماعی فرد، مورد سنجش قرار می‌گیرند (شربتیان، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

تقسیم بندی بورديو در باب انواع سرمایه، متأثر از تعریف او در باب سرمایه بود که عبارت است از: «کار انباشته (شکل مادیت‌یافته، یا شکل متجسد و پیکریت یافته آن) که وقتی بر مبنای

¹ Coleman

خصوصی، یعنی انحصاری، به تعریف عاملان یا گروه‌هایی از عاملان در می‌آید، آنان را قادر می‌سازد تا نیروی اجتماعی را در شکل عینیت یافته یا جان دار به تصرف درآورند» (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۳). در نگاه او سرمایه بسته به عرصه‌هایی که عمل می‌کند به سه دسته تقسیم می‌شود: الف) سرمایه‌ی اقتصادی که مستقیم و بی‌درنگ قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید. ب) سرمایه‌ی فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه‌ی اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآید. ج) سرمایه‌ی اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و در برخی از شرایط قابلیت تبدیل به سرمایه‌ی اقتصادی را دارد و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید (همان: ۱۳۶). سرمایه‌ی فرهنگی خود به سه شکل وجود دارد: الف) در حال متجسد: یعنی شکل خصائل دیرپای فکری جسمی؛ ب) در حالت عینیت‌یافتگی به شکل کالاهای فرهنگی؛ ج) نهادینه‌شده: یعنی شکلی از عینیت‌یافتگی که باید حسابش را جدا کرد. زیرا چنانکه در مورد مدرک تحصیلی دیده می‌شود، خواص اصلی خود را که یک‌سره به سرمایه‌ی فرهنگی - بنا به فرض ضمانت‌کننده است - واگذار می‌کنند.

بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی را جمع بالقوه یا واقعی می‌داند که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل یا عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (همان: ۱۴۷). نوع نگاه بوردیو به سرمایه‌ی اجتماعی نوعی نگاه شخصی و فردی است. او تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی را در موفقیت‌های فردی علی‌الخصوص در زمینه‌ی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ چراکه سرمایه‌ی اقتصادی هدف تمام تمایزگذاری‌های سرمایه‌های مختلف است. او معتقد است حجم سرمایه‌ی اجتماعی مورد تملک فرد به اندازه‌ی شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرز مؤثری بسیج کند و مضافاً وابسته است به حجم سرمایه‌ی اقتصادی، نمادین و فرهنگی در تصرف کسانی که وی با آنان مترتب است (همان: ۱۴۸).

پیر بوردیو با تعمق و زمینه‌ی فکری و علمی خودش، برداشتی نو از مفهوم سرمایه‌ی کارل مارکس^۱ ایجاد می‌کند. درواقع آنچه برای مارکس معنایی اقتصادی داشت، توسط بوردیو به

^۱ . Karl Marx

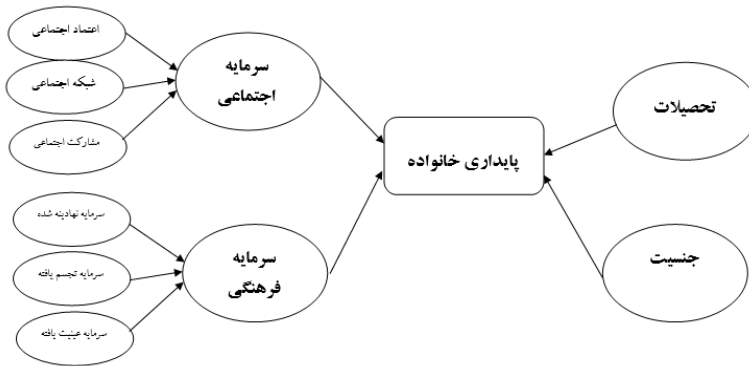
مفهومی چندوجهی برای تحلیل کنش‌ها در حوزه‌های مختلفی مانند فرهنگ، سیاست و اقتصاد تبدیل شد. مفهوم سرمایه نزد بوردیو از نظریه‌ی مارکسی سرمایه - سرمایه‌ی اقتصادی - و انباشت آن و سازوکارهایش بسیار فراتر می‌رود و در نهایت به ابعاد اجتماعی- فرهنگی نزدیک می‌شود. در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های ذکر شده و ارتباط موضوعی این نظریه‌ها، در نهایت متغیرهای تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر خانواده پایدار استخراج شدند که عبارت‌اند از: متغیر زمینه‌ای (شامل جنسیت) و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر اساس نظریه‌ی کلمن (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) و با تأکید بر نظریه‌ی بوردیو به‌خصوص مؤلفه‌های سرمایه‌ی فرهنگی بر اساس نظریه‌ی بوردیو (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده) است که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بوردیو نگاهی انتقادی به جامعه‌ی سرمایه‌داری دارد. به اعتقاد وی، ساختار و کارکرد جهان اجتماعی غیرممکن است؛ مگر آنکه سرمایه نه‌فقط به همان شکلی که نظریه‌ی اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی اشکال آن، از نو شناخته و معرفی می‌شوند (بوردیو، ۱۹۹۷: ۱). به نظر بوردیو، تقلیل انواع سرمایه به سرمایه‌ی اقتصادی که جهان مبادلات را به مبادله‌ی تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۷). لذا با توجه به چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌ها و مدل تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

- به نظر می‌رسد سرمایه‌ی اجتماعی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد.

- به نظر می‌رسد سرمایه‌ی فرهنگی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد.

- به نظر می‌رسد در پایداری خانواده در بین زن و شوهر شهر چهاردانگه تفاوت معناداری وجود دارد.



شکل شماره ۱- مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش بر اساس هدف تحقیق از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. جامعه‌ی آماری کلیه‌ی زوجین ساکن در شهر چهاردانگه در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۹ هستند که طبق آمار موجود در مناطق صنعتی و تجاری، تعداد آنان حدود ۴۱۸ خانوار است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه ۲۰۰ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای و تصادفی بوده است. برای انتخاب نمونه‌ی آماری، ابتدا کل شهر چهاردانگه را به ۵ منطقه در شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم کرده و در مرحله‌ی بعد از هریک از این مناطق پنج‌گانه، یک محله برحسب تقسیم‌بندی مناطق و به صورت تصادفی انتخاب گردیده است. پس از تعیین ۵ محله از بخش‌های فوق، در میان هریک از محله‌ها محقق به انتخاب خیابان‌ها و زوجین ساکن در آن مناطق دست زده و بر این اساس اطلاعات پرسش‌نامه‌ها توزیع شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از «پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته» استفاده شد که دارای ۵۰ گویه بوده که برای سنجش متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن (شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) تعداد ۱۹ گویه، برای متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن (شامل سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده) تعداد ۲۰ گویه و برای متغیر پایداری خانواده و ابعاد آن (شامل پایداری عاطفی، پایداری رفتاری و پایداری شناختی) تعداد ۱۱ گویه بر اساس مقیاس لیکرت ترتیبی از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) تهیه شد. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه با جمع‌کردن گویه‌های هر شاخص به دست می‌آید که نمره‌ی ۵ بیانگر بالاترین میزان و نمره‌ی ۱ دارای پایین‌ترین سطح است. برای سنجش اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری (مراجعه به اساتید خبره‌ی جامعه‌شناسی) و اعتبار سازه‌ای (استخراج

پرسش‌نامه از نظریه‌های مطرح، چارچوب نظری و مدل) کمک گرفته شد. پایایی پرسش‌نامه‌ی تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج، کل پرسش‌نامه در آن (سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی و پایداری خانواده) آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ داشته‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق از آزمون‌های آماری متناسب (ضریب پیرسون، رگرسیون و آزمون t) متناسب با سطوح سنجش استفاده شده است.

جدول شماره‌ی یک- پایایی سؤالات پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته

نرخ پایایی		تعداد سؤالات پرسشنامه	شاخص‌ها	
۰/۸۱	۰/۸۰	۷	اعتماد اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی
	۰/۷۷	۶	مشارکت اجتماعی	
	۰/۷۸	۶	شبکه‌های اجتماعی	
۰/۷۹	۰/۷۲	۶	سرمایه‌ی تجسم‌یافته	سرمایه‌ی فرهنگی
	۰/۷۷	۱۰	سرمایه‌ی فرهنگی عینی	
	۰/۷۰	۴	سرمایه‌ی فرهنگی نهادی	
۰/۸۰	۰/۷۹	۴	پایداری عاطفی	پایداری خانواده
	۰/۷۷	۴	پایداری رفتاری	
	۰/۷۵	۳	پایداری شناختی	

یافته‌های پژوهش

برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه‌ی مورد مطالعه از شاخص‌های آمار توصیفی برای دسته‌بندی داده‌های مربوط به جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه‌ی تأهل استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۵۰٪ افراد نمونه زن و ۵۰٪ آنان مرد هستند. فراوانی پاسخ‌گویان با توجه به دامنه‌ی سنی، ۳/۵٪ افراد نمونه زیر ۲۰ سال، ۲۶٪ بین ۲۱-۳۰ سال، ۲۱،۵٪ بین ۳۱-۴۰ سال، ۴۷،۵٪ بین ۴۱-۵۰ سال و ۱/۵٪ بالاتر از ۵۱ سال بودند. فراوانی پاسخ‌گویان از لحاظ تحصیلات، ۹/۵٪ افراد نمونه زیردیپلم، ۵/۵٪ دیپلم، ۵٪ فوق دیپلم، ۴۶٪ لیسانس و ۳۴٪ فوق لیسانس و بالاتر هستند. از لحاظ سابقه‌ی تأهل ۴۳/۵٪ افراد نمونه ۵ سال و کمتر، ۱۷٪ بین ۶-۱۰ سال، ۱۸٪ بین ۱۱-۱۵ سال، ۱۴٪ بین ۱۶-۲۰ سال و ۷/۵٪ ۲۱ سال و بالاتر هستند.

- ارزیابی میانگین متغیرهای پژوهش: با توجه به نتایج جدول ۲، سطح پایداری خانواده در بین پاسخ‌گویان در سطحی متوسط (۳/۵۹)، سطح سرمایه‌ی اجتماعی در بین پاسخ‌گویان در سطحی متوسط (۳/۱۲)، سطح سرمایه‌ی فرهنگی در بین پاسخ‌گویان در سطحی متوسط (۳/۶۱) قرار دارد.

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	واریانس	دامنه‌ی تغییرات	کمترین داده	بیشترین داده
پایداری خانواده	۳,۵۹۳۹	۳,۶۶۶۷	۰,۸۸۸۵۲	۰,۷۸۹	۳,۳۳	۱,۶۷	۵
سرمایه‌ی اجتماعی	۳,۱۲۰۱	۳,۱۲۵	۰,۴۲۶۲۰	۰,۱۸۲۲	۲,۲۹	۱,۸۳	۴,۱۳
سرمایه‌ی فرهنگی	۳,۶۱۴۰	۳,۶۶۶۷	۰,۸۸۰۵۱	۰,۷۷۵	۳,۳۳	۱,۶۷	۵

برای بررسی فرضیه‌های زیر ابتدا از آزمون همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و پایداری خانواده استفاده شده و سپس از آزمون ضریب رگرسیون چندگانه برای تعیین تأثیر هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بر پیش‌بینی پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه استفاده شد.

فرضیه‌ی اول: سرمایه‌ی اجتماعی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد.

فرضیه‌ی دوم: سرمایه‌ی فرهنگی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره‌ی سه- نتایج همبستگی پیرسون و ضرایب رگرسیونی

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری Sig	آماره F	ابعاد (مدل)	ضرایب رگرسیونی		
					ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	مقدار t
سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۴۵۲**	۰/۰۰۰۱	۲۳۲/۶۱۷	اعتماد اجتماعی	۰/۰۳۹	۰/۸۶۸	۲/۲۰۸
				مشارکت اجتماعی	۰/۰۵۷	۰/۳۲۸	۶/۵۱۰
				شبکه‌های اجتماعی	۰/۰۴۳	۰/۱۶۴	۴/۲۶۸
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۶۰۲**	۰/۰۰۰۱	۳۶۷/۲۱۷	سرمایه‌ی تجسم‌یافته	۰/۰۴۴	۰/۸۳۳	۲۶/۳۱۵
				سرمایه‌ی عینیت‌یافته	۰/۰۲۹	۰/۸۰۵	۱۰/۴۱۷
				سرمایه‌ی نهادینه‌شده	۰/۰۳۹	۰/۸۲۱	۱۳/۳۲۱

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سرمایه‌ی اجتماعی با پایداری خانواده ($r=0/452$) ($F=232/617$) ($sig=0/0001$) و سرمایه‌ی فرهنگی با پایداری خانواده ($r=0/602$) ($F=367/217$) ($sig=0/0001$) رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به بتای محاسبه‌شده، ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) به ترتیب با بتای ۰/۸۶۸، ۰/۳۲۸ و ۰/۱۶۴ و ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی (سرمایه‌ی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی عینیت‌یافته و سرمایه‌ی نهادینه‌شده) به ترتیب با بتای ۰/۸۳۳، ۰/۸۰۵ و ۰/۸۲۱ بیشترین تأثیر را بر پایداری خانواده از نظر زوجین داشته است. با توجه به نتایج فوق می‌توان گفت با ارتقای یکی از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی یا سرمایه‌ی فرهنگی، گرایش به پایداری خانواده در بین زوجین افزایش می‌یابد.

فرضیه‌ی سوم: در پایداری خانواده در بین زن و شوهر شهر چهاردانگه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره‌ی چهار- نتایج آزمون t در تأثیر جنسیت زوجین بر پایداری خانواده

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار (t)	سطح معناداری (sig)
پایداری خانواده	زن	۱۰۰	۳۳/۵۶	۰/۹۳	۱/۱۹	۰/۲۲
	مرد	۱۰۰	۳۲/۴۵			

یافته‌های جدول ۴ نشان داد که بین جنسیت و پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تفاوت معناداری وجود ندارد؛ چرا که سطح معناداری مشاهده‌شده ($sig=0/22$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($0/01$) بزرگ‌تر است. لذا فرضیه‌ی پژوهش تأیید نشده و رد می‌گردد. این نتیجه نیز نشان می‌دهد میانگین پایداری خانواده بین دو گروه زن و مرد با هم یکسان بوده یا هر دو گروه از میانگین مشابهی برخوردارند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه بر حسب جنسیت، از تفاوت معناداری برخوردار نبوده و جنسیت پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تفاوت معناداری ندارد.

برای بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر پایداری خانواده در بین زوجین از روش رگرسیون چندمتغیره جبری (هم‌زمان) استفاده شده است که در آن همه متغیرهای مستقل به‌طور هم‌زمان وارد معادله می‌شوند.

جدول شماره ۵ پنج- تحمل و تورم واریانس، همبستگی تفکیکی و نیمه تفکیکی متغیرها

آماره هم خطی		ابعاد	متغیرها
تورم واریانس (VIF)	تحمل واریانس		
۱/۲۱۵	۰/۸۳۸	اعتماد اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی
۲/۵۸۱	۰/۹۵۸	مشارکت اجتماعی	
۲/۳۰۹	۰/۹۱۳	شبکه‌های اجتماعی	
۲/۳۹۵	۰/۹۰۸	سرمایه‌ی تجسم یافته	سرمایه‌ی فرهنگی
۱/۴۸۵	۰/۹۵۸	سرمایه‌ی عینیت یافته	
۳/۲۵۰	۰/۸۹۴	سرمایه‌ی نهادینه شده	
۲/۷۸۹	۰/۹۴۶	پایداری عاطفی	پایداری خانواده
۳/۱۲۵	۰/۹۱۶	پایداری شناختی	
۳/۷۵۹	۰/۸۸۱	پایداری رفتاری	

در بررسی هم خطی بین متغیرها، با توجه به جدول ۵ می‌توان گفت که در مقادیر VIF در تمامی مسیر و متغیرها دارای تورم واریانس نبوده و همچنین ضریب تحمل بالا دارند. در نتیجه قدر ضریب تحمل بالا و تورم واریانس پایین، نشان‌دهنده‌ی عدم هم خطی بودن و مناسب بودن مدل رگرسیون است.

جدول شماره ۶ شش- همبستگی بین متغیرها

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا	دوربین واتسون
۰/۹۵۴	۰/۸۲۳	۰/۸۷۴	۰/۳۱۵	۱/۵۲۲

در بررسی استقلال خطاها، با توجه به نتایج جدول ۶ می‌توان گفت که همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر ۰/۹۵۴ است. ضریب تعیین ۰/۸۲۳ به دست آمده و این مقدار نشان می‌دهد که ۸۲/۳ درصد تغییرات پایداری خانواده به سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی زوجین مورد بررسی مربوط می‌شود. چون این مقدار درجه‌ی آزادی را در نظر نمی‌گیرد؛ لذا از ضریب تعیین تعدیل شده برای این منظور استفاده می‌شود که آن هم در این آزمون برابر با ۸۷/۴ درصد است. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در فاصله‌ی استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار

دارد، در نتیجه استقلال باقی‌مانده‌ها را نتیجه می‌گیریم. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد، مدل از کفایت لازم برخوردار است.

جدول شماره‌ی هفت- خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره‌ی پایداری خانواده

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین اصلاح شده (Adjusted R Square)	آزمون F	سطح معناداری (Sig)	انحراف معیار استاندارد	آماره دوربین-واتسون
۰/۹۵۴	۰/۸۲۳	۰/۸۷۴	۲۳۲/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۳۱۵	۱/۵۲۲

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۹۵۴ محاسبه شده که بیان‌گر آن است که مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی به‌طور هم‌زمان به مقدار ۰/۹۵۴ با پایداری خانواده، ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (R²) معادل ۰/۸۲۳ محاسبه شده است؛ یعنی حدود ۸۲ درصد از تغییرات پایداری خانواده از طریق مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی توضیح داده می‌شود و ۱۸ درصد باقی‌مانده متعلق به عوامل دیگری است که خارج از این بررسی هستند. نسبت F مشاهده شده مبنی بر آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل ۲۳۲/۶۲ محاسبه شده که در سطح بسیار بالای آماری معنادار است. (sig = ۰/۰۰۱) مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۵۲۲) نشان می‌دهد بین باقی‌مانده‌ها همبستگی متوالی وجود ندارد. با توجه به شاخص می‌توان گفت که مدل رگرسیونی از کفایت لازم برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از تأیید معناداری تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه بود. به طوری که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی میزان پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه افزایش یافته و بالعکس. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های رحیمی و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط عاطفی زوجین رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ والنزوالا و همکاران (۲۰۱۴) که بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و نرخ طلاق در سراسر ایالات متحده آمریکا با

ناپایداری خانواده‌ها رابطه‌ی مستقیم و معناداری یافتند؛ و راسل و کلایتون (۲۰۱۴) که نشان دادند شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌ی روابط عاشقانه با افرادی غیر از همسر، باعث خیانت زناشویی شده و در نهایت به طلاق ختم می‌شود، ناهم‌سو بوده است. اما نتایج این مطالعه با یافته‌های اسکافی و همکاران (۱۳۹۵) که دریافتند حمایت، انسجام، قوت پیوند، صمیمیت و فعالیت‌های مشترک در صمیمیت با همسر مؤثر است و همچنین پروین و همکاران (۱۳۹۱) دریافتند بین متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه‌ی اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه‌ی معنادار با میزان طلاق عاطفی وجود دارد، همخوانی دارد.

از دیگر نتایج این پژوهش، تأیید تأثیر معناداری سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن بر پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه منطقه‌ی صنعتی و تجاری بود. به طوری که با افزایش میزان سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده میزان پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه افزایش یافته و بالعکس. نتایج این پژوهش با یافته‌های جعفری و آقاجانی (۱۳۹۶) که نشان دادند سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی بر نگرش به طلاق معنادار نیست، ناهم‌سو است. اما از نظریه‌ی بوردیو می‌توان در تبیین نتایج حاصل از این مطالعه بهره جست؛ به طوری که بوردیو معتقد است سرمایه‌ی فرهنگی تعیین کننده‌ی سطح پرستیژ فرهنگی و سطوح مختلف ساختار طبقاتی در جامعه است. افراد همواره توسط ترکیبی از دو سرمایه‌ی اقتصادی و فرهنگی رتبه‌بندی می‌شوند، این محیط‌ها به لحاظ سطح و گستره‌ی فرهنگی از هم متمایز می‌گردند. در درون هر محیط رتبه بالاتر دارای فرهنگی با پرستیژ بالاتر است که این امر باعث تسلط و مشروعیت سلطه‌ی صاحبان فرهنگی می‌شود؛ به گونه‌ای که افرادی که سرمایه‌ی فرهنگی بالاتری دارند معمولاً نقش مهمی در مشروعیت بخشی دارند (بوردیو، ۱۹۹۷). بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش و نظریه‌ی بوردیو می‌توان استنباط کرد زوجینی که سرمایه‌ی فرهنگی بیشتری را جذب کرده بودند و نمرات بالاتری را در سرمایه‌ی فرهنگی به دست آورده بودند، نگرش مثبت و نگاه خوش‌بینانه‌تری نسبت به پایداری خانواده داشتند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر در پایداری خانواده تفاوت معناداری را بین زن و مرد تأیید نکرده است. به این معنا که زن یا مرد بودن در میزان پایداری خانواده در بین زوجین شهر چهاردانگه تفاوت معناداری ایجاد نمی‌کند. این نتایج با مطالعات رحمت‌پور (۱۳۹۰) و خزائی (۱۳۸۸) که نشان دادند جنسیت بر میزان گرایش افراد به طلاق و ناپایداری خانواده‌ها تأثیرگذار است، ناهم‌سو است.

فرضیه‌های موجود، برخاسته از نظریه‌های مختلف و به نوعی ناشی از تلفیق آنان بوده است. تقریباً تمامی نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی در مورد موضوع مورد مطالعه، وجود تأثیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده را بر پایداری خانواده تأیید می‌کنند که با یافته‌های تحقیق حاضر هم‌سو است. اما برخی تحقیقات وجود تأثیر سن و تحصیلات افراد را بر پایداری خانواده تأیید کرده‌اند که با نتایج حاصل از مطالعه‌ی حاضر، ناهم‌سو است (آهیوما، ۲۰۱۳). در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که خانواده به‌عنوان رکن اصلی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. ترس ازهم پاشیدن خانواده در دوران آشفتگی اجتماعی و همچنین دهه‌های اخیر که بقای واقعی خانواده را زیر سؤال می‌برند به سرعت در حال افزایش است. در دهه‌های اخیر خانواده‌ها و دنیای اطراف آن‌ها به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. این مهم است که چالش‌هایی که خانواده‌ها با آن مواجه هستند و نحوه‌ی برخورد خانواده با این چالش‌ها که می‌تواند خانواده را قادر به موفق شدن و کام‌یابی نماید، درک کنیم. از سوی دیگر، خداوند کانون خانواده را کانون آرامش و محبت معرفی نموده است.

در این پژوهش سرمایه‌ی فرهنگی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد که نشان‌دهنده‌ی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در افراد بوده و تأثیر بسیار بالایی را بر پایداری خانواده در بین شهر چهاردانگه (اسلام‌شهر) داشته است. به نظر پیر بوردیو، سرمایه‌ی فرهنگی درون یک فضای اجتماعی، پخش شده و سپس به وسیله‌ی میراث، انتقال یافته و درنهایت به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود. این سرمایه‌ی فرهنگی به سه شکل سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده خودش را نشان می‌دهد.

کشمکش بخش جدایی‌ناپذیر طبقه‌ی اجتماعی است و همچنین در پهنه‌های فرهنگی کشمکش در نیروهای مخالف خودش را نشان می‌دهد. بوردیو فرهنگ را مانند نوعی اقتصاد یا بازار در نظر دارد که در این بازار انسان‌ها بیشتر از سرمایه‌ی فرهنگی خود مایه می‌گذارند تا سرمایه‌ی اقتصادی. این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه‌ی اجتماعی افراد و تجارب آموزشی‌شان نشأت می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها سرمایه‌شان را جمع می‌کنند و آن را یا برای بهبود جایگاه اجتماعی‌شان هزینه می‌کنند یا جایگاه‌شان را از دست می‌دهند. با توجه به نکات بوردیو در خصوص اینکه سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند موجب بهبود جایگاه اجتماعی انسان‌ها شود، به‌طور تجربی در این پژوهش دیده شد که سرمایه‌ی فرهنگی تأثیر مستقیم و بالایی بر پایداری خانواده به جا گذاشته است.

بورديو نظريه‌ی نابی که مبنای تجربی نداشته باشد رد می‌کند و همچنین تجربه‌گرایی صرفی که در یک خلأ نظری صورت بگیرد را نیز کنار می‌گذارد. وی تحقیقی را می‌پذیرد که به‌طور تلفیقی هم تجربی و هم نظری است. در نتیجه این پژوهش که به‌طور تجربی به این نتیجه دست یافت که هم سرمایه‌ی فرهنگی در درجه‌ی تأثیر بالاتر و هم سرمایه‌ی اجتماعی در درجه‌ی بعدی بر روی پایداری خانواده در بین زوجین نمونه‌ی آماری تحقیق اثرگذار باشند، هم‌سو با نظریات این تحقیق بوده و به‌طور معناداری موجب تحکیم چارچوب نظری تحقیق است.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت سرمایه‌ی اجتماعی بین زوجین، برنامه‌های آموزشی بیشتری را در رسانه‌های جمعی اعم از تلویزیون، رادیو و بیش از همه اینترنت قرار داده تا اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی خانواده بین زوجین تقویت گردد. همچنین برای تقویت سرمایه‌ی فرهنگی بین زوجین، به برنامه‌های آموزشی و فراهم‌آوردن امکانات فرهنگی و فرهنگ‌سازی‌های مربوط به مصرف فرهنگی توجه جدی شود.

منابع

۱. ابراهیمی منش، مریم و عالیہ شکریگی (۱۳۹۵) «شناسایی روند وقوع پدیده‌ی طلاق در تهران»، پایان‌نامه‌ی دکترای جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکز.
۲. اسکافی، مریم؛ ترکمان، فرح و باقر ساروخانی (۱۳۹۵) «اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد»، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۲: ۲۵۰-۲۲۵.
۳. اعزازی، شهلا (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بوردیو، پیر (۱۳۸۴) شکل‌های سرمایه در سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه‌ی افشین خاکباز و همکاران، تهران: شیرازه.
۵. بوردیو، پیر (۱۳۹۰) تمایز، ترجمه‌ی محسن چاوشیان، تهران: ثالث.
۶. پرکان، اکبر؛ حلاج‌زاده، هدا و محمدرضا غلامی (۱۳۹۹) «بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله ساکن شهر کرمان»، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، ۲ (۴۶): ۳۱-۷.
۷. پروین، ستار؛ داودی، مریم و فریبرز محمدی (۱۳۹۱) «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، فصل‌نامه‌ی شورای فرهنگی- اجتماعی زنان و خانواده، ۴ (۵۶): ۱۵۳-۱۱۹.
۸. توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۶: ۳۲-۱.
۹. توکل، محمد؛ معیدفر، سعید و سوده مقصودی (۱۳۹۰) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت روانی زوجین شهر کرمان»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۵) و ۶: ۱۷۰-۱۹۴.
۱۰. جعفری‌سدهی، رضا؛ آقاجانی‌مرساة، حسین و امیرمسعود امیرمظاهری (۱۳۹۵) «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی گیلان»، پژوهش‌نامه‌ی مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی ۷: ۳۹-۷۶.

۱۱. خزائی، کلثوم (۱۳۸۸) «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. رحیمی، محمد؛ پرنده، رادبه و پریسا نقی‌پور (۱۳۹۴) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین مطالعه‌ی موردی مزدوجین ۵ سال اخیر شهر خلخال»، منتشر شده در کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی: ۲۶-۱.
۱۳. رحمت‌پور، پخشان (۱۳۹۰) «نگرش به طلاق در فضاهای همسرگزینی و تحلیل روند طلاق در ایران در شهر سنندج»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
۱۴. روحانی، حسن (۱۳۹۰) «سرمایه‌ی خانواده، سنگ بنای سرمایه‌ی اجتماعی»، راهبرد، ۱۹ (۵۹): ۷-۴۶.
۱۵. سایت سازمان ثبت احوال کشور.
۱۶. شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۵) «مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر سلامت روان زوج‌های جوان بیرجند»، زن و مطالعات خانواده، ۹ (۳۴): ۱۱۵-۱۴۲.
۱۷. شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۹) «بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خشنودی زناشویی»، مطالعات زنان، ۸ (۱): ۷۰-۵۷.
۱۸. عبدالهی، اسماعیل و نرگس صداقت (۱۳۹۲) «تأثیر رسانه و شبکه‌های اجتماعی بر طلاق در شهر بوشهر طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳»، فصل‌نامه‌ی علمی تخصصی دانش انتظامی بوشهر، ۴ (۱۵): ۴۸-۳۱.
۱۹. فیروزجاییان، علی اصغر و فاطمه غلامرضازاده (۱۳۹۴) «تحلیل جامعه‌شناختی میزان و عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی»، همایش ملی تغییرات خانواده و چالش‌های آن در ایران، همایش وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دوره‌ی ۱: ۱۳۸-۱۳۵.
۲۰. قلی‌زاده، آذر و زهره اسماعیلیان اردستانی (۱۳۹۳) «نقش مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۵ (۲): ۴۶-۳۷.
۲۱. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
۲۲. کوئن، بروس (۱۳۹۷) درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.

۲۳. گنجی، محمد و محمدجواد سامانی نژاد (۱۳۹۱) «فرهنگ مشارکت و رضایت زناشویی در بین زنان»، فصل‌نامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸(۲۶): ۱۷۱-۲۰۰.
۲۴. محمدی، زهرا (۱۳۸۳)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه‌ی هشتم، تهران: شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

25. Ahiaoma, I. (2013) «The psycho-social effect of parental separation and divorce on adolescents: Implications for counseling in Surulere Local Government Area of Lagos State», **International Journal of Psychology and Counseling**, 5, 7, 162-168.

26. Bourdieu, Pierre (1997) **The Forms Of Capital**, London, Oxford University press.

27. Charls, G. (2011) **The Influence of Parenting Styles on Children, Cognitive Development**, Louisiana State University Center.

28. Russell, B. & Clayton, MA. (2014) «Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking, Department of Journalism», **University of Missouri-Columbia**, Columbia, Missouri, 17, 7.

29. Valenzuela, S. Halpern, D. & Katz, JE. (2014) «Social network sites, marriage well-being and divorce», Survey and state-level evidence from the United States, 36.